

ارزیابی حدود «تعهد دولت‌ها به پیشگیری و همکاری» در مبارزه با جرایم بین‌المللی با تأکید بر معاهده تجارت تسلیحات سعید حکیمی‌ها*

چکیده

ریشه‌کن کردن قاچاق تسلیحات، به‌منزله یک جرم سازمان‌یافته فراملی و همچنین زمینه‌ای که برای ارتکاب سایر جرایم بین‌المللی فراهم می‌آورد، جایگاهی کلیدی در موفقیت حقوق کیفری بین‌المللی در پیشگیری از جرایم بین‌المللی دارد. سهم عمده کنوانسیون‌های مبارزه با جرایم تسلیحاتی در اسناد حقوق کیفری بین‌المللی و کنوانسیون‌های خلع سلاح در حقوق بین‌الملل بیان‌کننده همین مضمون است. تلاش به منظور ریشه‌کن کردن انحراف تجارت بین‌المللی تسلیحات به سمت بازارهای غیر قانونی، با تصویب معاهده تجارت تسلیحات در سال ۲۰۱۳، شکلی تازه به خود گرفته است. این معاهده، به منظور کنترل تجارت تسلیحات، برای جلوگیری از انحراف آن‌ها به سمت بازارهای غیر قانونی و ارتکاب جرایم بین‌المللی، تعهداتی را بر اعضا تحمیل کرده است که تعهد دولت‌ها به همکاری در اجرای این تعهدات از جمله آن‌هاست. به نظر می‌رسد ضوابط و تعهدات معاهده تجارت تسلیحات در مبارزه با قاچاق تسلیحات تعهد دولت‌ها را به همکاری درخصوص مبارزه با جرایم بین‌المللی، که به‌کارگیری سلاح لازمه یا زمینه ارتکاب آن‌هاست، عینیت بخشیده و تا حدودی موجب شفافیت تعهدات دولت‌ها در این خصوص شده است؛ که پیش‌تر در سایر اسناد حقوق کیفری بین‌المللی، نظیر کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد و کنوانسیون علیه جنایت سازمان‌یافته فراملی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، آمده بود. لیکن برخی کاستی‌ها در معاهده سبب شده معیارهای ارائه‌شده به‌تنهایی در ارزیابی اجرای تعهد دولت‌ها به همکاری در مقابله با جرایم بین‌المللی و از جمله قاچاق تسلیحات کارآمد نباشند.

کلیدواژگان

بین‌المللی، پیشگیری، تسلیحات، تعهد، جرایم، کیفری، همکاری.

مقدمه

غالب جرایم بین‌المللی^۱، به طور کلی، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بشر و بشردوستانه به شمار می‌رود و بسته به نوع و شدت ارتکاب این جرایم موجبات نقض خفیف تا بسیار شدید آن‌ها را فراهم خواهد آورد (Arrigo and Bersot, 2013: 148). صرف‌نظر از نوع این جرایم و ماهیت آن‌ها، که در اسناد حقوق کیفری بین‌المللی به آن‌ها اشاره شده است، برخی جهات و عوامل، به لحاظ افزایش تبعات منفی ناشی از ارتکاب جرم، اتخاذ تدابیر سختگیرانه‌تر را در قبال آن‌ها ناگزیر می‌کند (Arrigo and Bersot, 2013: 156). استفاده از سلاح در ارتکاب برخی جرایم بین‌المللی از همین جهات و عوامل به شمار می‌رود که در بسیاری از نظام‌های حقوق داخلی، با نام «علل یا کیفیات مشدده» شناخته می‌شود.^۲ هرچند به‌کارگیری تسلیحات ضرورتاً عنصر مادی همه جرایم بین‌المللی محسوب نمی‌شود، در دست داشتن سلاح وقوع بسیاری از آن‌ها را تسهیل می‌کند و عواقبی شدیدتر بر جای می‌گذارد (Yihdego, 2007: 65). بنابراین، جلوگیری از قاچاق تسلیحات و انحراف آن‌ها به سمت بازارهای غیر قانونی، به‌منزله یک پیشگیری وضعی، نقشی مهم در جلوگیری از وقوع جرایم بین‌المللی دارد؛ چه آن طیف از جرایمی که استفاده از سلاح عنصر مادی آن‌ها به شمار می‌رود و چه سایر جرایمی که توسل به سلاح ارتکاب آن‌ها را آسان‌تر می‌کند (Arrigo and Bersot, 2013: 158). در این خصوص دولت‌ها هم به همکاری و هم به پیشگیری از وقوع جرایم بین‌المللی تعهد دارند؛ که ریشه در تعهدات بین‌المللی قراردادی و عرفی دارد (De Hoogh, 1996: 122). در زمینه تعهدات قراردادی، دو دسته از تعهدات اسناد و معاهدات بین‌المللی قابل بررسی و مذاقه است؛ دسته نخست اسنادی که به تبیین جرایم بین‌المللی و دسته دوم اسنادی که به کنترل تسلیحات یا خلع سلاح می‌پردازد. اسنادی همچون کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های آن‌ها (۱۹۴۴)، کنوانسیون مریدا برای مبارزه با فساد، کنوانسیون پالرمو در خصوص مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، کنوانسیون‌های سیزده‌گانه مبارزه با تروریسم^۳، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون منع آپارتاید، و ... به تبیین عناصر سه‌گانه

۱. جرایم بین‌المللی در معنای کلی اعم از جنایت و جرم بین‌المللی است. جنایات بین‌المللی آن دسته از جرایم بین‌المللی شدیدی هستند که مایه نگرانی جامعه بین‌المللی در کل هستند (ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی).

۲. در نظر گرفتن جهات مشدده در مجازات جرایم مسلحانه غالباً به دلیل نقض شدید امنیت و آسایش عمومی و افزایش تبعات منفی جرم صورت می‌گیرد (بنگرید: فتحی، ۱۳۷۹: ۸۳).

۳. این کنوانسیون‌ها عبارت‌اند از کنوانسیون جرایم و سایر اقدامات ارتكابی در هواییما (۱۹۶۳)، کنوانسیون جلوگیری از توقیف غیر قانونی هواییما (۱۹۷۰)، کنوانسیون جلوگیری از اقدامات غیر قانونی علیه امنیت هوانوردی غیر نظامی (۱۹۷۱)، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی

جرایم بین‌المللی و تعهدات دولت‌ها در قبال این جرایم پرداخته‌اند. اسنادی نیز همانند پیمان منع اشاعه هسته‌ای، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، کنوانسیون منع برخی تسلیحات متعارف و پروتکل‌های پنج‌گانه آن، کنوانسیون ممنوعیت مین‌های ضد نفر، معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای استفاده و انباشت تسلیحات غیر متعارف و برخی تسلیحات متعارف را ممنوع کرده‌اند. در زمینه تعهدات عرفی نیز نقض بسیاری از تعهدات مندرج در این دو دسته از کنوانسیون‌ها مورد مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها خواهد بود و رویه قضایی بین‌المللی نیز در قضایای متعدد به ممنوعیت نقض این تعهدات بر اساس حقوق عرفی بین‌المللی اشاره کرده است (De Hoogh, 1996: 133). تعهد به همکاری در مبارزه با جرایم بین‌المللی به دو شکل در این معاهدات تجلی یافته است. در شکل نخست دولت‌ها متعهد به انجام دادن اموری خاص در زمینه اجرای این دسته از معاهدات شده‌اند و در شکل دوم به این تعهد در شکل عام و در قالب «تعهد به همکاری برای اجرای معاهده» اشاره شده است که به نوعی تکمیل‌کننده سایر تعهداتی است که بدون همکاری دوجانبه یا چندجانبه دولت‌ها با یکدیگر امکان اجرای آن‌ها وجود ندارد (دلخوش، ۱۳۸۹: ۴). مواردی همچون «معاضدت‌های قضایی، استرداد مجرمان، استرداد اموال و عواید مجرمانه، تطبیق قوانین داخلی با تعهدات مندرج در معاهدات از جمله این تعهدات به همکاری هستند که حدود و ابعاد آن‌ها به صورت عینی و مشخص ترسیم شده است.» (Arrigo and Bersot, 2013: 161). لیکن تعهد به همکاری به طور کلی و در جهت اجرای معاهداتی که به مبارزه با جرایم بین‌المللی یا مبارزه با قاچاق تسلیحات اختصاص یافته‌اند انتزاعی و مبهم است (دلخوش، ۱۳۸۹: ۵). به همین منظور، ضوابطی که در برخی معاهدات و اسناد بین‌المللی به منظور پیشگیری و همکاری در زمینه مبارزه با جرایم بین‌المللی تدوین شده‌اند به ترسیم خطوط و تحدید حدود تعهد عام دولت‌ها به همکاری و پیشگیری در مبارزه با جرایم بین‌المللی منجر شده و ابعاد این تعهد را عینیت و شفافیت بیشتری بخشیده‌اند (B. Jørgensen, 2003: 92). معاهده تجارت تسلیحات، که در ۲ آوریل ۲۰۱۳ در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید،^۱ ضوابط و تعهداتی را به منظور جلوگیری از انحراف تسلیحات

شامل مأموران دیپلماتیک (۱۹۷۳)، کنوانسیون بین‌المللی منع گروگان‌گیری (۱۹۷۹)، کنوانسیون حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای (۱۹۷۹)، پروتکل جلوگیری از اقدامات غیر قانونی خشونت در فرودگاه‌ها در خدمت هوانوردی غیر نظامی بین‌المللی در تکمیل کنوانسیون جلوگیری از اقدامات غیر قانونی علیه امنیت هوانوردی غیر نظامی (۱۹۸۸)، کنوانسیون جلوگیری از اقدامات غیر قانونی علیه امنیت دریانوردی (۱۹۸۸)، پروتکل جلوگیری از اقدامات غیر قانونی علیه سکوها نصب‌شده در فلات قاره (۱۹۸۸)، کنوانسیون علامت‌گذاری مواد منفجره با هدف اکتشافی (۱۹۹۱)، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از بمب‌گذاری تروریستی (۱۹۹۷)، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از تأمین مالی تروریستی (۱۹۹۹)، کنوانسیون بین‌المللی مقابله با فعالیت‌های تروریستی هسته‌ای (۲۰۰۵).

۱. معاهده به دلیل مخالفت سه کشور ایران و سوریه و کره شمالی از طریق کنسانسوس یا اجماع به تصویب نرسید.

متعارف به بازارهای غیر قانونی در نظر گرفته که اجرای توأم با حسن نیت آن از سوی دولت‌های عضو خواهد توانست «به میزان قابل توجهی دستیابی گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته به تسلیحات و استفاده از آن‌ها در ارتکاب جرایم بین‌المللی را کاهش دهد.» (Maslen et al., 2013: 5). در مقابل دولت‌هایی که برخلاف موضوع و هدف معاهده عمل کنند موجبات افزایش قاچاق تسلیحات متعارف را فراهم می‌آورند و چنین رفتاری به نحوی معاونت و همکاری در ارتکاب جرایم بین‌المللی تلقی می‌شود و امکان طرح مسئولیت حقوقی و کیفری بین‌المللی آن‌ها را در مراجع صالح قضایی فراهم خواهد آورد (B. Jørgensen, 2003: 86). ممنوعیت استفاده از تسلیحات غیر متعارف و کاهش آن‌ها اهمیت مبارزه با قاچاق تسلیحات متعارف و به‌ویژه تسلیحات سبک و کوچک را، که به‌وفور در بازارهای غیر قانونی در دسترس‌اند، در پیشگیری از ارتکاب جرایم بین‌المللی بیش از پیش نمایان می‌سازد (مصفا و شاه‌نوری، ۱۳۸۹: ۲۷۲). ازین رو، این مقاله، ضمن بررسی ماهیت و مبانی تعهد به همکاری و همچنین تعهد دولت‌ها به پیشگیری از جرایم بین‌المللی، به نقش ضوابط مندرج در معاهده تجارت تسلیحات در پیشگیری از قاچاق تسلیحات و متعاقب آن ارتکاب جرایم بین‌المللی اشاره می‌کند. در پایان نیز میزان قابلیت استناد این ضوابط، به منظور اثبات مسئولیت دولت‌ها، ناشی از تسهیل و معاونت در جرایم بین‌المللی، بررسی و نتایج تحقیق ارائه خواهد شد.

تعهد به همکاری و تعهد به پیشگیری در حقوق کیفری بین‌المللی

۱. ماهیت تعهد به همکاری در حقوق کیفری بین‌المللی

مبنای تعهد به همکاری در حقوق کیفری بین‌المللی را، علاوه بر تعهدات بین‌المللی دولت‌ها، که در اسناد مربوطه بدان اشاره شده، به خصیصه ذاتی، یعنی بین‌المللی یا جهانی بودن جرایم تحت شمول حقوق کیفری بین‌المللی، باز می‌گردد (بارانی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). به عبارت دیگر، از نظر فنی و ساختاری روند تکوین تا ارتکاب و حتی بعد از ارتکاب این جرایم در قلمرو صلاحیت بیشتر از یک دولت شکل می‌گیرد و از این نظر بدون همکاری‌های بین‌المللی میان دولت‌ها مقابله با این جرایم ممکن نیست. این همکاری‌ها هم ناظر به مرحله قبل از وقوع جرم است و هم بعد از وقوع جرم. اصولاً، بعد از وقوع جرم، مجازات مرتکبان و هر آنچه برای مجازات آن‌ها ضروری و لازم است در حیطه تعهد به همکاری قرار می‌گیرد (دلخوش، ۱۳۸۹: ۷). مرتکبان این‌گونه جرایم معمولاً متعدد بوده‌اند، تابعیت‌های گوناگون داشته‌اند، در قلمرو چند دولت

دارای اقامتگاه و محل فعالیت بوده‌اند، یا از سوی عناصری از یک یا چند دولت دیگر دستور گرفته یا تحت کنترل و هدایت بوده‌اند. به همین دلیل، همه دولت‌های مزبور باید به منظور اعمال مجازات مؤثر (بدین معنا که همه کسانی که مجرم‌اند و نه کسانی که جرمی مرتکب نشده‌اند مجازات شوند) با یک‌دیگر و به‌ویژه مرجع رسیدگی‌کننده همکاری کنند (دلخوش، ۱۳۸۹: ۷). در غالب اسناد حقوق کیفری بین‌المللی، از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و کنوانسیون مریدا و پالمو، نیز به مصادیق این همکاری، نظیر معاضدت‌های فنی و قضایی و استرداد اموال و انتقال محکومان و اجرای آرای قضایی، اشاره شده است.^۱ اما تعهد به همکاری برای مقابله یا پیشگیری از جرایم بین‌المللی به اندازه تعهد به همکاری‌های بعد از وقوع جرم تبیین نشده و بیشتر شکل انتزاعی دارد (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۲۷). به نظر می‌رسد چون این تعهد ناظر به مرحله قبل از وقوع جرم است باید شامل همه اقدامات لازمی باشد که به منظور مقابله با ارتکاب یک جرم بین‌المللی ضروری است. این را که مجموعه این اقدامات چه هستند و انجام دادن آن‌ها تا چه حد لازم و ضروری است باید از مجموع تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در خصوص جرایم بین‌المللی استنباط کرد (De Hoogh, 1996: 174). از آنجا که پیشگیری از جرم در مراحل شروع جرم و حتی قبل از آن مؤثرتر خواهد بود، باید ترتیبی داد تا گروه‌های مجرمانه مجال تشکیل و فعالیت پیدا نکنند. «معمولاً دسترسی به منابع مالی و در قدم بعدی تسلیحات از برنامه‌های اولیه همه گروه‌های مجرمانه است.» (Arrigo and Bersot, 2013: 107). بنابراین، همکاری میان دولت‌ها برای جلوگیری از دسترسی این گروه‌ها به وسایل مقدماتی برای ارتکاب جرایم بسیار ضروری است. در زمینه تدابیری که در کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریست و همچنین کنوانسیون ملل متحد در خصوص مبارزه با فساد در نظر گرفته شده است می‌توان به خوبی حدود تعهد دولت‌ها را به همکاری برای مقابله با جرایم بین‌المللی مشخص کرد. همکاری‌های اطلاعاتی میان دولت‌ها به منظور شفافیت هر چه بیشتر و امکان رصد بهتر انحراف‌های مالی، نظیر پول شویی، و غیر مالی، نظیر ارتشا و ممانعت از اجرای عدالت، و همچنین نقاط احتمالی آسیب‌پذیر از ابعاد این همکاری‌ها به شمار می‌رود. همکاری‌های فنی به منظور ایجاد زیرساخت‌های مشترک به منظور استقرار سیستم‌های کشف جرم و پیشگیری‌های وضعی، نظیر انسداد مرزهای زمینی و مراقبت از مرزها و مبادی دریایی و هوایی مشترک، توسعه سامانه‌های هوشمند تشخیص هویت مجرمان با سابقه فعالیت‌های بین‌المللی، نیز تأثیری قابل توجه در این خصوص خواهد داشت (B. Jørgensen, 2003: 182). به نظر می‌رسد مصادیق همکاری‌های لازم میان دولت‌ها حصری نیست و با توجه به اهداف و موضوع معاهداتی نظیر مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی هر آنچه به منظور تحقق اهداف آن‌ها ضروری باشد در

۱. بنگرید: مواد ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۶، و ۲۷ از کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی، مواد ۸۶ و ۸۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، و فصل ۴ و ۵ مواد ۶۴ به بعد کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل.

حیطه تعهد به همکاری دولت‌ها قرار می‌گیرد.^۱ سیر تکوین معاهداتی که صبغه پیشگیری و مبارزه با جرایم بین‌المللی دارند نیز موجب تبیین هر چه بیشتر حدود این تعهد خواهد شد. همکاری و مساعدت بین‌المللی امروزه بیش از گذشته به‌مثابه یکی از مواد معاهدات بین‌المللی مطرح شده است. در واقع، به جز مبنای وضعی، که از خصیصه مادی و ذاتی این جرایم نشئت می‌گیرد، تعهد به همکاری دولت‌ها برای مقابله با جرایم بین‌المللی مبنای حکمی (حقوقی) نیز دارد. «دولت‌ها به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی نمی‌توانند نسبت به آرمان‌های مشترک بشریت و خیر جمعی بی‌تفاوت بوده و رفتاری را در پیش گیرند که مغایر ضرورت‌های جامعه بین‌المللی باشد.» (بارانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). از طرف دیگر با جهانی شدن و وابستگی شدید اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و ... کشورها و ملل به یکدیگر امکان بروز ناهنجاری‌های بین‌المللی در قالب جرایم بین‌المللی نیز وجود دارد (بارانی، ۱۳۹۲: ۱۰). بی‌شک مقابله با جرایمی که با همکاری چند مجرم از چند کشور امکان ارتکاب آن وجود دارد به وسیله یک یا چند دولت محدود امکان‌پذیر نیست و همکاری‌های بین‌المللی ضروری می‌نماید. بنابراین، دولت‌ها، ضمن اتخاذ تدابیر لازم در قلمرو تحت صلاحیت خود برای مقابله با جرایم بین‌المللی، باید تدابیر مشترکی نیز با سایر دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های هم‌جوار به منظور مقابله با جرایمی که ذاتاً فراملی‌اند، بیندیشند (De Hoogh, 1996: 109). در واقع، جرایم فراملی به تدابیر فراملی برای مقابله نیاز دارند. علاوه بر آن، جرایم بین‌المللی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌روند و از این رهگذر دولت‌ها متعهد به همکاری به منظور مقابله با جرایم بین‌المللی‌اند. اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ۱۹۷۰ نیز همکاری دولت‌ها را با یکدیگر، صرف‌نظر از نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی‌شان، در سطوح مختلف، به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین ثبات اقتصادی بین‌المللی، تعهدی لازم‌الاجرا قلمداد کرده است (Crawford et al., 2010: 185). همکاری به منظور حفظ امنیت و حمایت از حقوق بشر و همچنین توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه از حدود تعهد دولت‌ها در قبال یکدیگر است. بنابراین، هر جا همکاری دولتی به اندازه‌ای باشد که به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازم و ضروری است عدم همکاری نقض تعهد بین‌المللی دولت و موجب طرح مسئولیت وی خواهد شد. این را که این همکاری به چه شکل و میزان باشد بسته به هر مورد باید ارزیابی کرد. با این حال به نظر می‌رسد تعهدات عرفی و قراردادی دولت‌ها در خصوص مقابله با هر جرم بین‌المللی تا حدود زیادی از ابهام تعهد به همکاری در مقابله با جرایم بین‌المللی خواهد کاست (De Hoogh, 1996: 112).

۱. بنگرید: مواد ۲۶ و ۲۷ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی.

۲. مبانی تعهد دولت‌ها به پیشگیری از جرایم بین‌المللی

به‌رغم وجود برخی اسناد بین‌المللی^۱ درخصوص پیشگیری از جرم، به تعهد دولت‌ها در پیشگیری از جرایم بین‌المللی غالباً به طور صریح در اسناد الزام‌آور بین‌المللی اشاره نشده و در تعهدات دولت‌ها درخصوص جرایم بین‌المللی مستتر است (De Hoogh, 1996: 119). ازین رو، می‌توان تأثیر عدم پیشگیری بر نقض سایر تعهدات دولت‌ها را در جامعه بین‌المللی نیز مبنای این تعهد دانست. درواقع، عدم پیشگیری، که اصولاً ترک فعل را به ذهن متبادر می‌کند، از طریق تسهیل و فراهم آوردن زمینه ارتکاب جرایم بین‌المللی، مقوم نقض تعهدات بین‌المللی دولت و مرتبط با جرم و آثار تالی آن است (De Hoogh, 1996: 117). مثلاً، عدم اتخاذ تدابیر لازم در جلوگیری از تأمین مالی گروه‌های تروریستی، چنانچه مقرون به قصد و قراین دیگر باشد، مقوم عنصر مادی جرمی است که تأمین منابع مالی آن را تسهیل کرده است (N. Trapp, 2011: 87). بنابراین، دولتی که عامدانه از کنترل منابع مالی موجود در تحت صلاحیت خود خودداری کرده و منابع مذکور در بمب‌گذاری‌های تروریستی به کار رفته‌اند نمی‌تواند به استناد عدم دخالت یا آگاه نبودن از قصد گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته خود را از مسئولیت بین‌المللی برهاند (De Hoogh, 1996: 123). البته، مسائل مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت در این خصوص ظرایف مختص خود را دارد که در این مقاله بدان پرداخته نخواهد شد. لیکن ماهیت تعهدی که دولت در قبال حقوق و آزادی‌های بشری داشته نیز در این زمینه تعیین‌کننده است. درواقع، تعهد به پیشگیری از جرایم بین‌المللی در به فعل یا به نتیجه بودن تعهدات حقوق بشری دولت‌ها مستتر است.^۲ به عبارت دیگر، در جرایم علیه حقوق بشر که مسئولیت دولت بیشتر ناظر به تعهد به حمایت است، چنانچه تدابیر لازم و متعارف در زمینه پیشگیری و حمایت از شهروندان در مقابل تعرض گروه‌های مجرمانه بین‌المللی اتخاذ شده باشد، انتساب جرایم ارتکاب‌یافته به دولت متبوع شهروندان قاعدتاً منتفی است. مثلاً در قضیه

۱. نظیر مصوبات کمیسیون پیشگیری از جرم ملل متحد و گزارش کنگره‌های پنج‌سالانه پیشگیری از جرم، که بیشتر بر تشویق دولت‌ها به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در قلمرو سرزمین خود تمرکز دارند. علاوه بر آن، قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۱۷ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، که بر توسعه دفتر پیشگیری از جرم سازمان ملل و همکاری‌های بین‌المللی فیما بین سازمان‌ها و مؤسسات خصوصی تأکید دارد، پیشگیری از جرم را جزئی از تعهد دولت‌ها برای تحقق توسعه پایدار و حقوق بشر دانسته‌اند. (بنگرید: گزارش‌های اخیر سیزدهمین کنگره پنج‌سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد در دوحه قطر:

Thirteenth United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Doha, 12-19 April 2015. Available at: <http://www.unodc.org/congress/en/documentation.html>. Last visited 12 October 2015.

۲. آن‌گاه که تعهد دولت در زمینه حقی از حقوق بشر تعهد به نتیجه باشد، اتخاذ یا عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه تأثیری در مسئولیت وی نخواهد داشت. اما وقتی تعهد دولت در موردی تعهد به حداکثر تلاش باشد، فقط در صورتی که تدابیر لازم را اتخاذ نکرده باشد مسئول شناخته خواهد شد (بنگرید: Brehm, 2008: 122).

Tellini کمیته ویژه حقوق دانان در خصوص ترور رئیس و تنی چند از اعضای کمیسیون بین‌المللی مسئول تحدید حدود مرزی یونان-آلبانی در قلمرو یونان اظهار کرده بود: «در صورت وقوع جرم سیاسی علیه اشخاص خارجی در قلمروی یک دولت، تنها در صورتی می‌توان او را مسئول دانست که آن دولت در اتخاذ تمامی تدابیر معقول و مقتضی برای پیشگیری از جرم، تعقیب، و دستگیری و محاکمه مرتکبان قصور کرده باشد.» (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۳: ۴۲). در واقع، انتساب رفتاری که دولت اجازه آن را داده است به خود آن دولت، به طور گسترده، در رویه قضایی بین‌المللی پذیرفته شده است (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۳: ۴۳). دولت‌ها با عدم پیشگیری از وقوع جرایم بین‌المللی، در واقع، اجازه وقوع آن را می‌دهند. لیکن، با توجه به ماهیت بین‌المللی این‌گونه جرایم، اگر مسئولیت دولت متبوع قربانیان در خصوص نقض تعهد خود به حمایت از حقوق و آزادی‌های آنان منتفی باشد، باید بررسی شود که مرتکبان مستقل به جرایم دست زده‌اند یا تحت دستور و هدایت و کنترل دولتی دیگر. به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه اکثر جرایم بین‌المللی کنونی، که در اسناد متعدد از حقوق کیفری بین‌المللی بدان‌ها تصریح شده است، ماهیتی فراملی دارند، فرآیند مقدمات تا وقوع جرم ممکن است در قلمروی سرزمینی چند دولت رخ داده باشد. به عبارت دیگر، در خصوص جرایم بین‌المللی تعهد دولت به پیشگیری یکی در قبال شهروندان تحت حمایت خود مطرح است و دیگری در قبال جامعه بین‌المللی به طور کلی (De Hoogh, 1996: 198). همین «تعهد در برابر همه»^۱ در حقوق بین‌الملل است که دولت‌ها را موظف می‌کند الزامات زندگی را در جامعه بین‌المللی بپذیرند و تعهداتشان را در قبال همه اعضای جامعه بین‌المللی ایفا کنند (بارانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۲۸). چون ترک فعل نیز می‌تواند مقوم تحقق نقض تعهد بین‌المللی یک دولت باشد. در نتیجه، اتخاذ تدابیر لازم یا عدم پیشگیری در وضعیت حقوقی مسئولیت دولت‌ها مؤثر است و بارها مراجع قضایی بین‌المللی در خصوص جرایم بین‌المللی ارتكابی در قلمرو هر یک از دولت‌ها بر آن تأکید کرده‌اند.^۲

از دیگر تعهدات مهم و اساسی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، که عدم پیشگیری در تحقق نقض آن مؤثر است، تعهد به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. دولت‌ها در اسناد متعدد بین‌المللی متعهد شده‌اند از رفتاری که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد اجتناب ورزند. بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ طرح مسئولیت بین‌المللی کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱،

1. Erga Omnes

۲. بنگرید: آرای صادر شده از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای بارسلونا ترکشن ۱۹۶۴، کارکنان دیپلماتیک و کنسولی در تهران ۱۹۸۰، حکم دستگیری کنگو علیه بلژیک ۲۰۰۲، سکوه‌های نفتی ۲۰۰۳؛ همچنین آرای صادر شده از سوی ایکسید در قضایای آمکو علیه اندونزی ۱۹۸۴ و ونا هتلز علیه مصر ۲۰۰۲. آنچه در مجموع آرای یادشده از سوی مرجع رسیدگی‌کننده بر آن تأکید شده احراز مسئولیت بین‌المللی دولت است به استناد تخلف و نقض تعهد بین‌المللی وی، که متضمن الزام به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و حمایت‌های لازم بوده است.

نقض تعهد بین‌المللی، که دولت را ملزم به پیشگیری از واقعه‌ای خاص می‌کند، هنگام وقوع واقعه محقق می‌شود و به کل دوره‌ای که آن واقعه تداوم داشته و مطابق تعهد نیست سرایت می‌یابد (ابراهیم گل، ۱۳۹۳: ۸۹). صلح و امنیت بین‌المللی، به‌منزلهٔ رکن اصلی منشور ملل متحد، بر همهٔ تعهدات بین‌المللی دولت‌ها سایه افکنده است و بر سایر تعهدات دولت‌ها تقدم و برتری دارد. مطابقت رفتار یک دولت با تعهد بین‌المللی اش منحصر در فعل نیست و ترک فعل را نیز شامل می‌شود. ازین رو، چنانچه رفتار دولتی، اعم از فعل یا ترک فعل، موجب تهدید یا مخاطرهٔ صلح و امنیت بین‌المللی شود، نقض تعهد محقق شده و امکان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت وجود خواهد داشت (James Crawford, 2010: 134). تعهد دولت‌ها در قبال حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مشتمل بر فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی است که دولت‌ها متعهد به رعایت آن‌ها هستند. عدم مداخله در امور داخلی کشورها و منع توسل به زور از جملهٔ ترک فعل‌ها و مسئولیت حمایت در ردیف فعل‌های مثبت و تعهدات ایجابی دولت‌هاست. پس مداخله و توسل به زور نقض ترک فعل‌های تعهدشده و عدم حمایت نقض فعل تعهدشده به شمار می‌رود. در نتیجه، نقض تعهد به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند شامل فعل و ترک فعل دولت متخلف باشد (James Crawford, 2010: 134). از آنجا که پیشگیری ناظر به مجموعهٔ اقدامات مثبت و ایجابی است، در زمرهٔ تعهدات مثبت دولت‌ها برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و اقدامی کنشی (غیر کیفری) محسوب می‌شود (Arrigo and Bersot, 2013: 117). در این خصوص، اشاره به دکترین «مسئولیت حمایت»^۱، که متعاقب چالش مداخله/حاکمیت و همچنین مداخلهٔ بشردوستانه با دخالت مستقیم دبیرکل ملل متحد و تأیید سران کشورها در سال ۲۰۰۵ به مجموع تعهدات بین‌المللی دولت‌ها افزوده شده است، لازم به نظر می‌رسد. زیرا مسئولیت حمایت متشکل از مجموعهٔ تعهدات درجه‌بندی شده است و مداخله برای حمایت از شهروندان در برابر جنایات بین‌المللی به‌مثابهٔ آخرین حربه و در صورت احراز معیارها و شرایط از سوی شورای امنیت مطرح است و مسئولیت پیشگیری^۲ آن از اهمیت بیشتری برخوردار است (قادری و قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۱۲). در این زمینه یکی از ضعف‌های پیشگیری در مسئولیت حمایت تبادل و ارزیابی اطلاعات است که جز با همکاری سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها حاصل نمی‌شود. همچنین، پس از ارزیابی خطر باید اقداماتی بعد از اعلام خطر و به منظور جلوگیری از بروز خطر انجام شود (قادری و قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۱۲). این اقدامات شامل چهار دستهٔ سیاسی، اقتصادی، حقوقی، و نظامی است که خود تدابیر متعددی را در بر می‌گیرد.^۳

1. Responsibility to Protect

2. Responsibility to Prevent

۳. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مشارکت مستقیم دبیرکل سازمان ملل و میانجیگرها برای حل و فصل اختلافات به منزلهٔ اقدام سیاسی، کمک به توسعه و بهبود وضع درآمدی کشورهای در حال توسعه به‌منزلهٔ اقدام اقتصادی، تقویت حاکمیت قانون و نهادهای نظارتی و کنترلی قانونی به‌منزلهٔ راهبرد حقوقی، و همچنین

البته این اقدامات می‌تواند در مقیاس منفی و به منظور جلوگیری از وقوع موقعیت‌های خطر اتخاذ شود. هرچند دکتترین مسئولیت حمایت و حدود آن جرایم بین‌المللی محدودی را شامل می‌شود، طرح آن بیش از پیش مسئله همکاری میان دولت‌ها را به منظور پیشگیری از جرایم بین‌المللی برجسته می‌کند و بر اهمیت آن می‌افزاید. بنابراین، خاستگاه تعهد به پیشگیری از جرایم بین‌المللی را در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌توان، علاوه بر اسنادی همچون منشور ملل متحد و اسناد حقوق بشری و حقوق بشردوستانه و اعلامیه اهداف هزاره توسعه و ... در دکتترین مسئولیت حمایت نیز یافت.

ضوابط معاهده تجارت تسلیحات و پیشگیری از جرایم بین‌المللی

معاهده تجارت تسلیحات ضوابطی را به منظور کنترل و نظارت دولت‌ها بر نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات تعیین کرده است تا از انحراف تسلیحات مشمول معاهده به سمت بازارهای غیر قانونی و در دسترس گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته جلوگیری مؤثر به عمل آید.^۱ به نظر می‌رسد، با توجه به لازم‌الاجرا شدن معاهده،^۲ دولت‌هایی که به عضویت این معاهده درآمده‌اند از دو جهت به اجرای تعهدات خود در این معاهده متعهدند؛ یکی از جهت عضویت در معاهده تجارت تسلیحات و دیگری از جهت تعهد به پیشگیری از جرایم بین‌المللی و همکاری با سایر دولت‌ها به منظور مقابله با این جرایم (Maslen et al., 2013: 32). در مقابل، رفتار خلاف تعهدات مندرج در معاهده، علاوه بر اینکه نقض آن محسوب می‌شود، ممکن است نقض تعهد دولت‌ها در پیشگیری و همکاری در مبارزه با جرایم بین‌المللی نیز تلقی شود. «این بدان دلیل است که برخی ضوابط معاهده یک‌سویه و در عین حال عمل خلاف آن در پیشگیری از جرایم بین‌الملل مؤثر است.» (Maslen et al., 2013: 32). استانداردهای معاهده در دو بخش اجرای کلی یا عمومی و ضوابط اختصاصی تنظیم شده است. اجرای کلی معاهده اشاره به زمینه‌ای دارد که معاهده در بستر آن اجرا خواهد شد و نهاد یا نظام کنترل ملی^۳ نامیده می‌شود؛ نهادی که هر گونه نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات را در قلمروی سرزمینی دولت متبوع خود کنترل

گسترش رژیم کنترل تسلیحات و خلع سلاح به‌منزله راهکار سیاسی اشاره کرد.

۱. گفتنی است معاهده تجارت تسلیحات عاری از ابهام و اشکال نیست و در دید برخی صاحب‌نظران آرمان‌گرایانه نیز محسوب می‌شود. اما اجرای صحیح معاهده به شکل کنونی نیز خواهد توانست به میزانی قابل توجه از ارتکاب جنایاتی که آشفتگی تجارت جهانی تسلیحات دلیل عمده آن‌هاست بکاهد (بنگرید: شفیدی و دولت‌خواه، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

۲. معاهده در تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۱۴ و بعد از تودیع پنجاهمین سند تصویب داخلی لازم‌الاجرا شد. از میان صد و سی دولت امضاکننده معاهده، هفتاد و چهار دولت آن را به تصویب داخلی رساندند.

3. National control system

می‌کند و صدور مجوزهای صادرات، واردات، ترانزیت، دلالتی محموله‌های تسلیحاتی، ثبت آن‌ها، و ارائه گزارش به دبیرخانه معاهده تجارت تسلیحات را بر عهده دارد.^۱ معاهده در ماده ۵، ضمن اینکه به اجرای غیر تبعیض‌آمیز^۲ معاهده از سوی کشورهای عضو تأکید می‌کند، دولت‌ها را موظف به استقرار فرآیندی می‌کند که از طریق آن سایر ضوابط معاهده به اجرا گذاشته شود. بر اساس این ماده، نهاد یا نظام کنترل موظف به تهیه لیست کنترل ملی^۳، نقطه تماس ملی^۴، و ارائه گزارش‌های سالیانه مطابق ماده ۱۳ است. شاید نتوان استقرار نهاد یا نظامی دقیقاً مطابق آنچه معاهده در نظر دارد را معیاری جهت تشخیص عملکرد دولت در زمینه تعهد خود مبنی بر پیشگیری از جرایم بین‌المللی قلمداد کرد؛ اما به یقین وجود نظارت‌ها و کنترل‌های مؤثر در مبادی و مرزهای کشورها حداقل مراقبتی است که دولت‌ها به منظور جلوگیری از نقل و انتقال مواد و کالاهای خطرناک^۵، نظیر مواد هسته‌ای و تسلیحات، باید انجام دهند. بنابراین، دولتی که کنترل و نظارت مؤثر در این خصوص اعمال نکند، در واقع، با ترک فعل خود، ممکن است موجب تسهیل در قاچاق تسلیحات و همچنین جرایمی شود که با توسل به آن‌ها ارتکاب می‌یابند. بنابراین، صرف نظر از نوع عملکرد نهاد کنترلی، وجود نظارت و کنترل تا حدودی به تعهد دولت‌ها مبنی بر پیشگیری از وقوع جرایم بین‌المللی جامه عمل خواهد پوشاند. معاهده تجارت تسلیحات در مواد ۶ و ۷، که به باور مفسران قلب معاهده محسوب می‌شود، استانداردهایی را تعیین کرده است که در ارزیابی مسئولیت احتمالی دولت‌ها، در خصوص عمل به تعهدات خود ذیل این معاهده، نقش کلیدی (از دیدگاه معاهده) خواهند داشت (Maslen et al., 2013: 29). در واقع، معاهده، با وضع احکام دو ماده اخیرالذکر، صرف وجود نظامی کنترلی را لازم می‌داند، اما نه کافی برای عمل به تعهد پیشگیری از قاچاق تسلیحات و متعاقب آن جرایم بین‌المللی؛ و حداقل استانداردهایی را در این زمینه تعیین کرده است (Maslen et al., 2013: 29). حداقلی بودن این استانداردها هم از مذاکرات پیش‌نویس معاهده قابل استنباط است و هم اینکه اعمال شرط بر مواد ۶ و ۷ معاهده، که متضمن این استانداردها هستند، مجاز نیست (Maslen et al., 2013: 29). در ماده ۶ معاهده ممنوعیت‌های خاصی وضع شده که در صورت احراز آن‌ها از سوی دولت صادرکننده مجوز صادرات تسلیحات نباید صادر شود. در واقع، در معاهده اصل بر جواز صدور مجوز صادرات تسلیحات است؛ مگر در مواردی که معاهده

1. Article 5 (4): Each State Party, pursuant to its national laws, shall provide its national control list to the Secretariat, which shall make it available to other States Parties. States Parties are encouraged to make their control lists publicly available.

۲. این تکلیف بیشتر بدان منظور است تا ضوابط مندرج در معاهده و محدودیت‌های پیش‌بینی شده لطمه‌ای به حق دفاع مشروع کشورها و همچنین منافع مشروع ناشی از تجارت تسلیحات وارد نیابد و صرفاً به منظور جلوگیری از انحراف تسلیحات برای ارتکاب جرایم بین‌المللی اجرایی شود.

3. National control list

4. National points of contact

5. Dangerous Goods

تصریح کرده است. بند ۱ ماده ۶ به تحریم‌های نظامی وضع شده از سوی شورای امنیت اشاره می‌کند. بر این اساس، دولت‌ها، ضمن الزام به رعایت مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت، چنانچه بعد از ارزیابی‌های صورت گرفته احراز کنند که تسلیحات به نفع یا مقصد هر یک از کشورهای تحت تحریم انتقال داده خواهد شد، نباید مجوز صادرات را صادر کنند. اقدام خلاف این بند از ماده ۶ نقض تعهد دولت‌ها مطابق ماده ۲۵ منشور ملل و بند ۱ ماده ۶ معاهده تجارت تسلیحات است. اما اینکه صدور مجوز انتقال تسلیحات به کشورها یا گروه‌های تحت تحریم شورای امنیت تا چه اندازه نقض تعهد دولت‌ها مبنی بر پیشگیری از جرایم بین‌المللی محسوب می‌شود قابل تأمل است. شورای امنیت نهادی ماهیتاً سیاسی است و هرچند مکلف به انجام دادن وظایف خود طبق منشور ملل متحد است، بارها منافع سیاسی اعضا بر مقاصد ملل متحد ترجیح داده شده است. از این رو، نمی‌توان تصمیمات شورا، به‌ویژه قطعنامه‌های صادره، را مطلقاً در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و عاری از مقاصد و منافع سیاسی اعضا دانست (ساعد، ۱۳۸۳: ۸۱). «در واقع این خود دولت‌های امضاکننده سند نهایی کنفرانس ملل متحد در سانفرانسیسکو بودند که چنین اختیارات وسیعی را به شورای امنیت اعطا کرده‌اند و از نظر موازین حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت تصمیمات شورا هستند.» (ساعد، ۱۳۸۳: ۸۱). با این حال، به نظر می‌رسد صرف صدور تسلیحات به کشورها یا گروه‌های تحت تحریم از طرف شورای امنیت نقض تعهد دولت‌ها مبنی بر پیشگیری از جرایم بین‌المللی محسوب نمی‌شود و صدور چنین مجوزی باید مقرون به قصد و قراین مثبتی کافی در ارتکاب جرایم بین‌المللی با توسل به آن باشد (De Hoogh, 1996: 179). علاوه بر آن، جمهوری اسلامی ایران در مقام یکی از مخالفان معاهده، به رسمیت شناختن اختیارات وسیع کشورهای صادرکننده تسلیحات را مغایر با اصل برابری دولت‌ها در منشور ملل متحد می‌داند و چنین اختیاراتی را خطری اعلام می‌کند که ممکن است به حقوق کشورهای واردکننده تسلیحات لطمه وارد آورد (United Nations, Sixty-seventh session, 71st plenary meeting Tuesday, 2 April 2013, 10 a.m. New Yor, (A/67/PV.71, p.18).

بند ۲ ماده ۶ معاهده بر ممنوعیت صدور مجوز صادرات تسلیحات در مواردی اشاره دارد که این مجوز برخلاف تعهدات دولت‌ها بر اساس معاهدات نقل و انتقال تسلیحات متعارف باشد. از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بسیار مهم، که معاهده به آن اشاره کرده است، می‌توان به برنامه اقدام ملل متحد برای پیشگیری و مبارزه و ریشه‌کن کردن تجارت غیر قانونی اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک در همه جنبه‌های آن (۲۰۰۱)^۱، پروتکل جلوگیری از تولید غیر قانونی و قاچاق تسلیحات سبک و کوچک (۲۰۰۵)^۲، کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته

1. Programme of Action to Prevent, Combat and Eradicate the Illicit Trade in Small Arms and Light Weapons in All Its Aspects (UN Document A/CONF.192/15).

2. The UN Protocol against the Illicit Manufacturing of and Trafficking in Firearms, Their Parts and

فراملی، و سند بین‌المللی به منظور توانمندسازی کشورها برای شناسایی و ردیابی اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک غیر قانونی^۱ اشاره کرد.^۲ در واقع، معاهده، به‌منزلهٔ سندی جامع در خصوص کنترل تسلیحات متعارف، همهٔ اسلاف خود را نیز در بر گرفته و از دولت‌های عضو معاهدات مرتبط قبلی خواسته تا ضوابط مندرج در آن‌ها را نیز در صدور مجوز صادرات تسلیحات مدنظر قرار دهند (Bellal, 2014: 36). بنابراین، در ارزیابی حدود تعهد دولت‌ها به پیشگیری از جرایم بین‌المللی رعایت یا عدم رعایت ضوابط تعیین‌شده در اسناد مذکور (برای دولت‌های عضو آن‌ها) نیز باید ملحوظ نظر قرار گیرد. مثلاً، پروتکل سلاح‌های کوچک و سبک هدف خود را تقویت و گسترش همکاری میان دولت‌ها، به منظور جلوگیری و مقابله و ریشه‌کن کردن قاچاق تسلیحات گرم و مهمات و اجزای آن، اعلام کرده است (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۷). الزاماتی همچون جرم‌انگاری تولید و حمل غیر قانونی تسلیحات کوچک و سبک و علامت‌گذاری آن‌ها و ثبت اطلاعات و ایجاد نهاد نظارت و اعطای مجوز صادرات و واردات تسلیحات از تدابیر حداقلی پروتکل برای جلوگیری از قاچاق این‌گونه تسلیحات است (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). علاوه بر این، طبق مادهٔ ۱۳ پروتکل، دولت‌ها مکلف به همکاری با یک‌دیگر در زمینهٔ مبارزه با قاچاق تسلیحات کوچک و سبک‌اند. هرچند معاهدهٔ تجارت تسلیحات را می‌توان ملهم از این پروتکل دانست، معاهده نوآوری‌هایی نسبت به پروتکل دارد و در برخی موارد الزامات شفاف‌تری را در نظر گرفته است «که از کلیت تعهد انتزاعی همکاری برای مبارزه با تولید و حمل غیر قانونی این دسته از تسلیحات تا حد قابل ملاحظه‌ای کاسته است.» (Worster, 2014: 56). بنابراین، عمل به تعهد مبارزه با تولید و نقل و انتقال بین‌المللی غیر مجاز تسلیحات متعارف و به‌ویژه تسلیحات سبک و کوچک بخشی از تعهد دولت‌ها در پیشگیری از جرایم بین‌المللی و همچنین تعهد به همکاری در مبارزه با جرایم بین‌المللی قلمداد می‌شود (De Hoogh, 1996: 183). بر اساس بند ۲ مادهٔ ۷ معاهده، در صورتی که بعد از ارزیابی احتمال استفاده از تسلیحات برای نقض شدید حقوق بشر وجود داشته باشد، دولت صادرکننده موظف است مانع صادرات

Components and Ammunition (2001 Firearms Protocol).

1. The International Instrument to Enable States to Identify and Trace, in a Timely and Reliable Manner, Illicit Small Arms and Light Weapons.

۲. گفتنی است سند بین‌المللی به منظور توانمندسازی کشورها برای شناسایی و ردیابی اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک غیر قانونی و برنامهٔ اقدام ملل متحد برای پیشگیری و مبارزه و ریشه‌کن کردن تجارت غیر قانونی اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک در همهٔ جنبه‌های آن الزام قانونی ندارند. البته در سطح منطقه‌ای هم اسنادی در این خصوص به تصویب رسیده است که از آن‌ها می‌توان به پروتکل ناپروبی دربارهٔ سلاح‌های گرم مربوط به منطقهٔ شرق آفریقا و دریاچه‌های بزرگ (۲۰۰۴)، پروتکل جامعهٔ جنوب آفریقا، کنوانسیون جامعهٔ اقتصادی کشورهای غرب آفریقا دربارهٔ وارد کردن و ساخت سلاح‌های سبک (۲۰۰۶)، کنوانسیون بین‌المللی علیه تولید غیر قانونی و قاچاق سلاح‌های گرم و مهمات و مواد انفجاری و سایر مواد مرتبط (۱۹۹۷)، و برنامهٔ اتحادیهٔ اروپا برای جلوگیری از قاچاق سلاح‌های متعارف (۱۹۹۷) اشاره کرد.

تسلیحات شود. اجماعی مبنی بر اینکه چه مواردی نقض شدید حقوق بشر محسوب می‌شود وجود ندارد. به نظر می‌رسد عبارت شدید حاکی از شدت و بزرگی نقض یا زیر سؤال بردن نوعی از حقوق بشر باشد. ظاهراً هر دو احتمال در این مورد درست است. ازین رو، «هر نقض حق حیات یا ممنوعیت شکنجه ذاتاً شدید محسوب می‌شود؛ درحالی که انواع خاصی از سایر حقوق بشر باید به طور گسترده و مداومی نقض شوند تا نقض شدید حقوق بشر به حساب آیند.»^۱ وانگهی، عدم اشاره به حق دفاع فردی هنگام بروز نقض شدید حقوق بشر با توسل به سلاح از دلایل مخالفت ایران با معاهده بود که در معاهده گنجانده نشد.^۲ هرچند سنگینی یک‌طرفه به نفع کشورهای صادرکننده در معاهده مشهود است و غالب این کشورها منافع مشترکی را دنبال می‌کنند، ظرفیت استفاده از این اختیارات وسیع از سوی کشورهای صادرکننده مستقل، به منظور حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر، نیز وجود دارد.

معاهده تجارت تسلیحات نیز به تأسی از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در ماده ۷، نه‌تنها ارتکاب و نقض شدید^۳، بلکه تسهیل جرایم علیه حقوق بشردوستانه از طریق مشارکت و مباشرت در صدور تسلیحات متعارف را ممنوع اعلام کرده است. در نتیجه، دولتی که بدون کنترل و ارزیابی اجازه صادرات محموله‌های تسلیحاتی را بدهد که در ارتکاب یا تسهیل جرایم بین‌المللی مؤثر واقع شده‌اند «حتی بی آنکه قصد سوئی داشته باشد، تعهد خود مبنی بر پیشگیری از جرایم بین‌المللی را نقض کرده است.» (De Hoogh, 1996: 125).

ممنوعیت دیگر در خصوص صدور مجوز صادرات احتمال استفاده از تسلیحات بین‌المللی در ارتکاب جرایم سازمان‌یافته است. هرچند قاچاق تسلیحات خود نوعی از جرایم سازمان‌یافته فراملی است، دسترسی گروه‌های مجرمانه به سلاح، احتمال و شدت ارتکاب سایر جرایم

۱. یک نقل و انتقال سلاح بالقوه بر بهره‌مندی از حق‌های بشری ذیل تأثیر می‌گذارد که توسط معاهدات بین‌المللی و بعضاً حقوق بین‌الملل عرفی حمایت شده‌اند: حق بر حیات (ترور، سایر انواع قتل عمدی، ناپدید کردن اجباری، و نسل‌کشی)، حق رهایی از شکنجه و سایر بی‌رحمی‌ها و رفتارهای غیر انسانی و ترذیلی، حق آزادی و امنیت شخصی، حق رهایی از بردگی، حق آزادی فکر، وجدان و مذهب، حق آزادی بیان، تشکیل اجتماع و تظاهرات مسالمت‌آمیز، حق بر سلامتی و تحصیل و غذا و مسکن (بنگرید: Gustavo Mauricio Bastien, *Non-states Actors and Human Rights: The Case of Arms Manufactures*, Amsterdam Law forum, VOL 3:3, 2009).

2. United Nations, Sixty-seventh session, 71st plenary meeting Tuesday, 2 April 2013, 10 a.m. New York, A/67/PV.71, p.18.

۳. نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی عبارت‌اند از نقض‌های غیر قابل اغماض، همان‌گونه که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ تشریح شده است، نقض شدید ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، نقض‌های عمده که در مواد ۱۱ و ۸۵ پروتکل الحاقی ۱ مصوب ۱۹۷۷ بدان‌ها اشاره شده است، جرایم جنگی همان‌گونه که در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده، سایر جرایم جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی مطابق حقوق بین‌الملل عرفی.

سازمان یافته، نظیر قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان و اعضای بدن و فروش زنان و کودکان و ...، را افزایش خواهد داد (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). به همین دلیل، جلوگیری از دستیابی این گروه‌ها به سلاح به میزانی قابل توجه از توانایی آن‌ها در ارتکاب جرایم بین‌المللی می‌کاهد و خود نوعی پیشگیری وضعی از وقوع جرایم سازمان‌یافته محسوب می‌شود. (De Hoogh, 1996: 125). نمونه بارز استفاده از تسلیحات متعارف در ارتکاب جرایم بین‌المللی گروه‌های تکفیری - تروریستی حاضر در منطقه خاورمیانه است که انواع تسلیحات متعارف را در اختیار دارند و از آنجا که گروهی فراملی و سازمان‌یافته‌اند به جرایمی همچون قاچاق مواد مخدر و زنان و کودکان و اشیای تاریخی و فرهنگی و قاچاق مهاجران و انسان‌ها و ... دست می‌زنند. بدیهی است کشورهایی که با فعل یا ترک فعل خود در انتقال تسلیحات به آن‌ها مؤثر واقع می‌شوند، علاوه بر نقض تعهد بین‌المللی خود، حسب مورد، در جرایمی که گروه‌های تروریستی - تکفیری مرتکب می‌شوند معاونت کرده‌اند و از این جهت مسئولیت دولت‌های مذکور قابل طرح خواهد بود.^۱

چهارمین معیاری که بر اساس آن در ماده ۷ صدور مجوز صادرات ممنوع شده احتمال ارتکاب اعمال تروریستی مصرح در کنوانسیون‌های سیزده‌گانه مقابله با جرایم تروریستی، با استفاده از تسلیحات مشمول معاهده، است. پاراگراف ۳ بند ب افغالی را شامل می‌شود که با توسل به تسلیحات متعارف تأمین‌شده از سوی کشور صادرکننده صورت گرفته است و در معاهدات مرتبط با تروریسم که کشور صادرکننده عضو آن است ممنوع شده. یکی از اسناد بسیار مهم در این خصوص کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی ۱۹۹۷ است. مطابق ماده (۱) ۲ این کنوانسیون، هر کس مطابق تعریف این کنوانسیون مرتکب یک جرم شده است اگر آن فرد به طور غیر قانونی و عمدتاً وسایل منفجره یا مهلک را به منظور استفاده در مکان‌های عمومی، سیستم حمل‌ونقل عمومی، یا علیه تجهیزات دولتی یا زیرساخت‌های اساسی با قصد کشتن یا ایجاد صدمات و جراحات شدید یا با قصد نابودی گسترده این مکان‌ها و تجهیزات یا سیستم‌ها (که منجر به خسارات عظیم اقتصادی بشود) دریافت، جاسازی، تخلیه، یا منفجر کند (سیم‌پر، ۱۳۸۵: ۱۵۲). علاوه بر این، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، هواپیماربایی، دزدی دریایی، جنایت علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، قاچاق و اشاعه مواد هسته‌ای و بمب‌گذاری تروریستی از جرایم مهم است که در کنوانسیون‌های ضد تروریسم بدان‌ها تصریح شده است (سیم‌پر، ۱۳۸۵: ۱۶۸). شکی نیست که بسیاری از جرایم مزبور بدون توسل به زور و سلاح امکان وقوع در عالم خارج را ندارند یا احتمال آن بسیار ناچیز است. از این رو، دولت‌های عضو معاهده، که به‌رغم تصریح ماده ۷ اقدام به صدور مجوز کرده‌اند و چنین مجوزی منتهی به

۱. مسئولیت دولت‌های حامی جریان تکفیری از منظر حقوق بین‌الملل قابل دسترس در:

[http://www.yaserziaee.blogfa.com/Last visited 12 October 2015.](http://www.yaserziaee.blogfa.com/Last%20visited%2012%20October%202015)

به کارگیری محموله‌های تسلیحاتی انتقال داده شده در اعمال تروریستی شود، ضمن نقض معاهده، تعهدات خود را ذیل اسناد بین‌المللی مبارزه با تروریسم نقض کرده‌اند.

چنانچه بعد از این ارزیابی‌ها و توجه به اقدامات قابل دسترس کاهش‌دهنده ریسک صادرات، دولت صادرکننده یقین یافت که خطر برجسته و مهمی بر پایه تبعات منفی پاراگراف اول این ماده وجود دارد، نباید مجوز صادرات را صادر کند. این پاراگراف بخش اصلی ماده ۷ محسوب می‌شود. زیرا به اتخاذ تصمیم از سوی کشور صادرکننده اشاره می‌کند. بعد از گام‌های اول و دوم، که ارزیابی ریسک و اقدامات کاهنده است، نهادهای کنترل ملی باید تصمیم بگیرند که در چه مواقعی اقدامات کاهنده خواهند توانست خطرات شناسایی شده را به حدی کاهش دهند که برجسته و مهم نباشند (Maslen et al., 2013: 29). متن پاراگراف اشاره دارد چنانچه خطر برجسته و قابل توجهی بر پایه پیامدهای منفی ذکر شده وجود داشته باشد و اقدامات کاهنده نیز در کاهش این خطر یا تقویت صلح و امنیت مؤثر نباشد، مجوز صادرات نباید اعطا شود (Maslen et al., 2013: 29). «معنای خطر برجسته به خودی خود در ماده ۷ مشخص نیست و مفهومی روشن یا جاافتاده در حقوق بین‌الملل هم نیست. فرهنگ لغت آکسفورد فعل Override را «مهم‌تر بودن نسبت به» و Overriding را به «از هر عامل دیگری مهم‌تر بودن» معنا کرده است. این بدان معناست که نهاد کنترل ملی باید آثار پیش‌بینی شده مثبت و منفی صادرات تسلیحات را سبک‌سنگین کند و در صورتی که آثار مثبت آن بیشتر باشد، مجوز را صادر کند. البته، در صورتی که این اثر منفی بر اساس ممنوعیت‌های ماده ۶ باشد، مجوز نباید صادر شود؛ حتی اگر در ظاهر صادرات با آثار مثبت بیشتری همراه باشد.» (Maslen et al., 2013: 29). در طول مذاکرات تلاشی مصرانه برای جایگزینی عبارت Overriding با Substantial صورت گرفت تا خط قرمز مشخصی بر اساس پیامدهای منفی ذکر شده در پاراگراف یک این ماده ایجاد نشود. این تلاش مؤثر واقع شد و این اصطلاح در نسخه فرانسوی معاهده predominant ترجمه شد و وسیع‌تر از آن در نسخه اسپانیایی manifest آورده شد (Maslen et al., 2013: 29). این مسئله حاکی از آن است که دولت‌ها هنوز تفسیرهای موسعی از ماده دارند. مثلاً نیوزیلند در بیانیه خود در مجمع عمومی و پس از تصویب معاهده اعلام کرد مفهوم عبارت Overriding risk را Substantial risk تفسیر می‌کند (Maslen et al., 2013: 30). استدلالی که در پس پرده این مفهوم مناقشه‌برانگیز وجود دارد این است که گاهی آثار مثبت منتظره، قبل صادرات تسلیحات، از استفاده‌های احتمالی سوء و نامناسب آن بیشتر است؛ مثلاً، کمک به افراد برای دفاع از خودشان در مقابل نسل‌کشی یا جرایم علیه بشریت یا برای اعمال حق تعیین سرنوشت خودشان وقتی از طرف یک دولت متجاوز مورد حمله قرار می‌گیرند. بنابراین، با امعان نظر به منافع حمایت از افراد و مشکلات عملی ایجاد توازن میان پیامدهای مثبت و منفی ناشی از صادرات تسلیحات و همچنین تأثیرات مخرب انتقال

تسلیحاتی که برای نقض حقوق بین‌الملل استفاده می‌شوند، دولت‌های عضو باید این ماده را بسیار محتاطانه و در نهایت حسن‌نیت به موقع اجرا گذارند (Maslen et al., 2013: 31). مثلاً، امریکایی‌ها با اصرار بر اشاره کلی شق الف بند ۱ ماده ۷، تحت عنوان کلی صلح و امنیت (نه بین‌المللی) خواستار آن بودند که اجازه صدور سلاح برای حفظ صلح و امنیت در هر نقطه از جهان، حتی اگر منجر به نقض حقوق بشر یا بشردوستانه شود، مخالف هدف معاهده قلمداد نشود. ازین رو، ابهام و اجمال در عبارات برخی ضوابط تعیین‌شده در معاهده، که هم از سوی برخی صاحب‌نظران (Maslen et al., 2013: 34; Worster, 2014: 12) و هم از طرف نماینده هیئت جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس معاهده مطرح شد، سبب شد راه‌گریز بیشتری برای اقدامات خلاف حسن نیت و هدف معاهده فراهم آید.

ماده ۷، همچنین، با ایجاد تعهداتی برای دولت صادرکننده و واردکننده تسلیحات، تعهد همکاری در اسناد بین‌المللی را، که سابقاً درباره کنترل تسلیحات به تصویب دولت‌ها رسیده بود، عینیت بیشتری بخشیده است. بر این اساس، دولت واردکننده یا مبدأ تسلیحات موظف است به محض درخواست دولت صادرکننده اطلاعات لازم را به منظور ارزیابی درخواست صدور مجوز در اختیار او قرار دهد. معاهده اشاره دقیق به این نکرده است که چه اطلاعاتی و به چه میزان باید در اختیار دولت صادرکننده قرار بگیرد و فقط به ارائه مصادیقی نظیر اطلاعاتی درباره استفاده و استفاده‌کنندگان نهایی تسلیحات بسنده کرده است. برخی بر آن‌اند که اطلاعات باید حداقل آگاهی دولت صادرکننده را برای ارزیابی ایجاد کند و تشخیص این موضوع بر عهده دولت صادرکننده است. البته، دولت واردکننده در ارائه اطلاعات در حدود قوانین داخلی خود عمل خواهد کرد (Worster, 2014: 7). متقابلاً دولت صادرکننده نیز باید به محض درخواست دولت واردکننده یا دولت محل ترانزیت اطلاعات مناسب را ارائه کند. همچنین دولت صادرکننده تضمین خواهد کرد که همه مجوزهای صادرشده صادرات تسلیحات مسبوق به ارزیابی و بررسی‌های لازم است.^۱ از آنجا که در فرآیند تجارت بین‌المللی تسلیحات محموله‌های تسلیحاتی ممکن است از قلمرو صلاحیت دولت‌های متعدد عبور کنند، بدون وصف اجباری و الزامی بودن همکاری دولت‌ها امکان کنترل و رصد تسلیحات فراهم نخواهد شد (Maslen et al., 2013: 31). در همین زمینه، دولت‌های محل عبور تسلیحات نیز موظف به مقررات‌گذاری به منظور کنترل و ارزیابی نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات شده‌اند.^۲ همچنین، دلایلی معاملات

1. Article 7 (5): Each exporting State Party shall take measures to ensure that all authorizations for the export of conventional arms covered under Article 2 (1) or of items covered under Article 3 or Article 4 are detailed and issued prior to the export.

2. Article 8 (1): Each importing State Party shall take measures to ensure that appropriate and relevant information is provided, upon request, pursuant to its national laws, to the exporting State Party, to assist the exporting State Party in conducting its national export assessment under Article 7. Such measures may include end use or end user documentation.

تسلیحاتی نیز، به مثابه یکی از مواردی که در آن احتمال به انحراف کشیده شدن تسلیحات به سمت بازارهای غیر قانونی وجود دارد، مورد تصریح ماده ۱۰ معاهده قرار گرفته و در این خصوص مراقبت و پیشگیری‌های لازم، نظیر الزام به کسب مجوز و ثبت معاملات تسلیحاتی و ... از تعهدات دولت‌های درگیر در فرآیند انتقال بین‌المللی تسلیحات است.^۱ همچنین معاهده، به منظور جلوگیری از انحراف تسلیحات بعد از صادرات، دولت صادرکننده و همچنین دولت‌های محل ترانزیت و همچنین دولت واردکننده را موظف به اقدامات مراقبتی، نظیر بازرسی محموله‌ها و اخذ گواهی‌نامه‌های لازم و در مواردی اضافی و همچنین تبادل اطلاعات و سایر اقدامات لازم، کرده است.^۲

در صورتی که انحرافی در مسیر انتقال بین‌المللی تسلیحات کشف شود، دولت مربوطه باید اقدامات لازم را بر اساس قوانین داخلی و بین‌المللی، به منظور مدیریت انحراف، صورت دهد. این اقدامات شامل هشدار از طریق دبیرخانه معاهده به دولت‌هایی که ممکن است از انحراف تسلیحات آسیب ببینند و همچنین بازرسی مجدد محموله و سایر تدابیر لازم دیگر می‌شود.^۳ به نظر برخی مفسران معاهده، ضبط و توقیف محموله‌های تسلیحاتی در صورتی امکان‌پذیر است که با رعایت قوانین ملی در قلمرو سرزمینی یا قوانین بین‌المللی در دریاهای آزاد صورت گیرد (Maslen et al., 2013: 32).

همچنین، به منظور ارزیابی میزان تعهد دولت‌ها به اقدامات در نظر گرفته شده در معاهده، معاهده دولت‌ها را موظف به نگهداری سوابق مجوزهای واردات و صادرات و عبور و مرور، به مدت حداقل ده سال، کرده است.^۴ این را که چه اطلاعاتی در این سوابق باید موجود باشد معاهده به صورت الزامی تعیین نکرده و فقط دولت‌ها را تشویق کرده اطلاعاتی نظیر نوع، ارزش، میزان، مالک، مبدأ، مقصد، مسیر حمل، استفاده یا استفاده‌کنندگان نهایی را در این اسناد درج کنند. مکانیزم دیگری که امکان ارزیابی بعدی میزان پای‌بندی دولت‌ها را به تعهداتشان فراهم

1. Article 10: Each State Party shall take measures, pursuant to its national laws, to regulate brokering taking place under its jurisdiction for conventional arms covered under Article 2 (1). Such measures may include requiring brokers to register or obtain written authorization before engaging in brokering.

2. Article 11 (3): Importing, transit, trans-shipment and exporting States Parties shall cooperate and exchange information, pursuant to their national laws, where appropriate and feasible, in order to mitigate the risk of diversion of the transfer of conventional arms covered under Article 2 (1).

۳. در متن معاهده واژه‌های «هر جا عملی و مناسب» از شدت الزام کاسته است و تعهدی بی‌رمق ایجاد کرده است. یعنی عدم اجرای تعهد عواقبی ندارد. از طرف دیگر، هر جا معاهده دولت‌های عضو را مجاز یا تشویق به اتخاذ تدابیر لازم کرده است، به تضمین هم‌سویی این اقدامات با موضوع و هدف معاهده اشاره نکرده است. این انتقاد را هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران نیز مطرح کرد.

United Nations, Sixty-seventh session, 71st plenary meeting Tuesday, 2 April 2013, 10 a.m. New York, A/67/PV.71, p.19.

4. Article 12: Each State Party shall maintain national records, pursuant to its national laws and regulations, of its issuance of export authorizations or its actual exports of the conventional arms covered under Article 2 (1).

می‌آورد لزوم گزارش‌دهی سالیانه به دبیرخانه و به‌ویژه گزارش سال اول در کنفرانس دولت‌ها در خصوص ایجاد نهاد یا نظام کنترل ملی تسلیحات است.

تعهد به همکاری در خصوص مقابله با جرایم تسلیحاتی و متعاقب آن جلوگیری از وقوع سایر جرایم بین‌المللی، که در معاهده به طور خاص به آن اشاره شده، در ماده ۱۵ و ۱۶ با نام همکاری‌های بین‌المللی و مساعدت بین‌المللی مجدداً و به طور کلی مورد تأکید قرار گرفته است. البته موارد مندرج در این دو ماده همگی اختیاری نیست؛ مثلاً بند ۱ ماده ۱۵ همه دولت‌های عضو را ملزم به همکاری با یک‌دیگر در اجرای معاهده کرده است^۱ و در ماده ۱۶ نیز به لزوم تشکیل صندوق داوطلبانه و تشویق دولت‌ها به تأمین مالی آن و ارائه مساعدت‌های لازم در جهت اجرای معاهده، از جمله مساعدت‌های فنی و لجستیکی، اشاره کرده است.^۲ این تشویق و نه الزام به نظر می‌رسد ناشی از محدودیت امکانات کشورهای در حال توسعه به منظور بازرسی و کنترل محموله‌های تسلیحاتی در قلمروهای وسیع و بعضاً بسیار وسیع مرزی باشد که بدون ارائه مساعدت به این کشورها امکان کنترل و رصد مؤثر نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات فراهم نخواهد آمد (Maslen et al., 2013: 30). با این حال، ارائه مساعدت‌های لازم از سوی کشورهای توسعه‌یافته، نه به‌منزله یک تکلیف بلکه به‌مثابه یک تشویق در معاهده پیش‌بینی شده است که خود جای انتقاد دارد. بنابراین، معاهده، علاوه بر تعیین حدود تعهد دولت‌ها در پیشگیری از قاچاق و انحراف تسلیحات، تعهد به همکاری در این خصوص را نیز با در نظر گرفتن ضوابطی بیش از اسلاف خود، یعنی سند ردیابی و پروتکل سلاح‌های کوچک و سبک ۲۰۰۱، شفاف‌تر کرده است. این تبیین هم به شکل خاص و طی تکالیف الزام‌آور یا تشویق‌هایی نظیر تبادل اطلاعاتی و مساعدت‌های بین‌المللی ملحوظ نظر بوده و هم به شکل کلی در ماده ۱۵ بدان تأکید شده است (Rogers, 2013: 123). مضاف بر آن، معاهده تجارت تسلیحات در دیباچه خود صراحتاً به مسئولیت بین‌المللی همه دولت‌ها مطابق تعهدات بین‌المللی‌شان مبنی بر مقررات‌گذاری مؤثر تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف و پیشگیری از انحراف آن و همچنین مسئولیت ابتدایی همه دولت‌ها در استقرار و ایجاد نظام کنترل ملی اشاره کرده است. بنابراین، چه دولت‌های عضو و چه دولت‌های غیر عضو اولاً موظف به مقررات‌گذاری در حیطه تجارت تسلیحات متعارف و پیشگیری از انحراف آن‌اند، ثانیاً در هر صورت مسئولیت ابتدایی استفاده از تسلیحات صادرشده در ارتکاب جرایم بین‌المللی بر عهده دولت صادرکننده و در

1. Article 15 (1): States Parties shall cooperate with each other, consistent with their respective security interests and national laws, to effectively implement this Treaty.

گفتنی است اگرچه دولت‌های عضو معاهده ملزم به همکاری با یک‌دیگر هستند، این الزام مشروط به تطابق با قوانین ملی و منافع ملی است.

2. Article 16 (3): A voluntary trust fund shall be established by States Parties to assist requesting States Parties requiring international assistance to implement this Treaty. Each State Party is encouraged to contribute resources to the fund.

مرحله بعد سایر مسببان خواهد بود.^۱ در نتیجه، معاهده تجارت تسلیحات و ضوابط آن را می توان مهم ترین (و نه لزوماً بهترین) سند پیشگیری از قاچاق تسلیحات متعارف قلمداد کرد. با این حال برخی کاستی ها و گریزگاه های مهم در معاهده مانع از آن شده است که ضوابط مندرج در آن را بتوان به طور مطلق تمام کننده در ارزیابی تعهدات بین المللی دولت ها در پیشگیری از جرایم بین المللی و به ویژه جرایم مرتبط با قاچاق تسلیحات دانست. زیرا در شرایط عینی ممکن است بتوان رفتار خلاف معاهده در جهت هدف معاهده ارزیابی کرد. البته برخی ابداعات در معاهده برای اولین بار در اسناد بین المللی پیش بینی شده و ممکن است ظرفیت آن را داشته باشند تا در آینده به یک هنجار مهم عرفی در رابطه با مسئولیت بین المللی دولت ها در خصوص پیشگیری از قاچاق تسلیحات و همچنین جرایم بین المللی تبدیل شوند که این مسئله تا حد زیادی بستگی به نحوه اجرای آن از سوی دولت های عضو دارد (شفیعی و دولت خواه، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

نتیجه گیری

تعهد دولت ها به همکاری در مقابله با جرایم بین المللی هم ناظر به مرحله قبل از وقوع جرم و هم بعد از آن است. مقابله با جرایم بین المللی، بعد از وقوع جرم، در جهت اهداف ترذیلی و بازدارندگی مجازات ها، پاسخ واکنشی حقوق کیفری بین المللی محسوب می شود که در کنوانسیون های بین المللی - مانند اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، کنوانسیون های مبارزه با تروریسم، کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد - مصادیق و حدود آن ارائه و تبیین شده است. معاضدت های قضایی و استرداد اموال و عواید مجرمانه و همچنین انتقال و استرداد محکومان و اجرای آرای مراجع کیفری بین المللی از این همکاری هاست که دولت ها هم در قبال یک دیگر و هم مراجع بین المللی نظیر دیوان کیفری بین المللی در خصوص آن متعهدند. اما تعهد به مقابله با جرایم بین المللی قبل از وقوع در قیاس با همکاری های ناظر به تعقیب و مجازات مرتکبان جرایم بین المللی از شفافیت و عینیت کمتری برخوردار است و تا حدودی انتزاعی تلقی می شود. اقدامات لازم به منظور جلوگیری از وقوع جرایم بین المللی کنشی (غیر کیفری) است و به دلیل عدم وقوع جرم جلب همکاری های بین المللی از رهگذر تشویق دولت ها به همکاری میسر نیست و دولت ها در این زمینه باید مکلف به همکاری با یک دیگر و مراجع بین المللی باشند. خصیصه بین المللی این جرایم پیشگیری های وضعی و غیر وضعی بین المللی را ضروری می نماید. این ضرورت، علاوه بر اینکه

1. The responsibility of all States, in accordance with their respective international obligations, to effectively regulate the international trade in conventional arms, and to prevent their diversion, as well as the primary responsibility of all States in establishing and implementing their respective national control systems.

از عنصر مادی این‌گونه جرایم نشئت می‌گیرد، در تعهدات عرفی و قراردادی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل نیز ریشه دارد. مواردی نظیر تعهد دولت‌ها به همکاری در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر، که در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل و در مصوبات کمیسیون پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد و کنگره‌های پنج‌ساله پیشگیری از جرم صراحتاً بر آن تأکید شده است اخیراً، با تکوین و تدوین دکترین مسئولیت حمایت، که بعد مهمی از آن ناظر به همکاری و حمایت برای پیشگیری از برخی جنایات بین‌المللی است، از جایگاهی الزام‌آور و نه دل‌خواهی برخوردار شده است. تجربه تاریخ جرایم بین‌المللی، که منعکس‌کننده نقش تسلیحات در وقوع این جرایم است، حاکی از لزوم جلوگیری از دسترسی گروه‌های غیر مجاز و به‌ویژه سازمان‌یافته به تسلیحات متعارف است. در واقع، پیشگیری از قاچاق تسلیحات متعارف و به‌خصوص تسلیحات کوچک و سبک در جهت عمل به تعهد دولت‌ها مبنی بر پیشگیری از وقوع جرایم بین‌المللی است. زیرا تجارت تسلیحات متعارف به خودی خود و تا زمانی که برای نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل و حقوق بشر به کار نروند ممنوع نیستند. بنابراین، شفافیت و عینیت بخشیدن به تعهدات دولت‌ها در زمینه پیشگیری از جرایم بین‌المللی از رهگذر ایجاد استانداردهای بین‌المللی به منظور مقابله با انحراف و قاچاق تسلیحات متعارف و به‌ویژه تسلیحات کوچک و سبک است. به‌رغم تدوین برخی اسناد ملل متحد و کنوانسیون‌های منطقه‌ای در این خصوص، نبود معیارهای واحد جهانی در قالب یک سند الزام‌آور بین‌المللی مانع تدوین چنین استانداردها و ضوابطی می‌شد. با تصویب معاهده تجارت تسلیحات در سال ۲۰۱۳ در مجمع عمومی سازمان ملل و لازم‌الاجرا شدن آن در سال ۲۰۱۴، استانداردهای مشترک و جامع بین‌المللی به منظور پیشگیری و مقابله و ریشه‌کن کردن انحراف و قاچاق تسلیحات متعارف وضع شد که به شفافیت بخشیدن به تعهد انتزاعی دولت‌ها برای پیشگیری از ارتکاب جرایم بین‌المللی کمک کرد. ایجاد نهاد یا نظام کنترل ملی تسلیحات، تهیه لیست کنترل ملی، لزوم ارزیابی تقاضای صادرات تسلیحات قبل از صدور مجوز، عدم صدور مجوز تسلیحات در صورت احتمال استفاده از آن‌ها برای نقض شدید حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، تخریب صلح و امنیت بین‌المللی، ارتکاب یا تسهیل ارتکاب جرایم تروریستی و سازمان‌یافته فراملی، اقدامات خشونت‌آمیز علیه کودکان و زنان، ممنوعیت صدور تسلیحات به کشورهای تحت تحریم شورای امنیت، لزوم ارائه اطلاعات لازم از سوی دولت‌های صادرکننده و واردکننده و محل ترانزیت محموله‌های تسلیحاتی به منظور ارزیابی‌های لازم، رصد محموله‌های تسلیحاتی بعد از صادرات، اقدامات لازم به منظور مدیریت انحراف، و نهایتاً لزوم ارائه مساعدت‌های مالی و فنی و لجستیکی لازم به‌ویژه به کشورهای در حال توسعه برای استقرار نهاد کنترل ملی و همچنین نظارت و رصد مؤثر تسلیحات منتقل شده یا در حال انتقال مجموعه اقدامات تعاملی و پیشگیرانه‌ای است که دولت‌های عضو معاهده تجارت تسلیحات مکلف یا

تشویق به انجام دادن آن‌ها شده‌اند. لیکن برخی نقاط ضعف در معاهده، نظیر استثنا کردن انتقالات توسط یا به نفع دولت‌ها از شمول معاهده، عدم شناسایی حق ذاتی دولت‌ها برای خرید، تولید، صادرات، واردات، و انتقال که از حق امنیت و دفاع مشروع و تمامیت ارضی نشئت گرفته و ابهام در برخی مفاهیم مندرج در معاهده، عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر، پیش‌بینی برخی تعهدات بی‌رمق در خصوص همکاری دولت‌ها در اجرای معاهده، و درنهایت عدم برابری حقوق دولت‌های واردکننده و صادرکننده سلاح مانع آن شده است که ضوابط مندرج در معاهده به طور کارآمد مستندی برای ارزیابی عمل دولت‌ها به تعهداتشان در قبال پیشگیری و مبارزه با جرایم بین‌المللی باشد.

منابع

الف) فارسی

کتاب

۱. ابراهیم گل، علی‌رضا (۱۳۹۳). مسئولیت بین‌المللی دولت، شهر دانش، چ ۶.

مقالات

۲. بارانی، محمد (۱۳۹۲). «مبانی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری از جرایم جهانی‌شده»، مجله حقوقی بین‌المللی، س ۳۰، ش ۴۸، صص ۱۰۱-۱۲۸.
۳. دلخوش، علی‌رضا (۱۳۹۰). «تعهد دولت‌ها به همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی مقررات عمومی»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۳، صص ۱۱۳-۱۷۲.
۴. دلخوش، علی‌رضا (۱۳۹۰). «مسئولیت، جنبه‌های گوناگون در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۴، صص ۲۲۳-۲۶۲.
۵. ساعد، نادر (۱۳۸۳). «فرآیند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حقوق بین‌الملل منشور؛ از نظر تا عمل»، حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۵، صص ۵۹-۸۶.
۶. سلیمی، صادق (۱۳۸۲). «جنایت سازمان‌یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن»، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۹، صص ۱۶۹-۲۱۲.
۷. سلیمی، صادق (۱۳۸۲). «قاچاق تسلیحات گرم به عنوان یک جرم سازمان‌یافته فراملی»، نامه مدرس علوم انسانی، دوره ۷، ش ۴، صص ۱۰۱-۱۲۲.
۸. سیم‌بر، رضا (۱۳۸۱). شکل‌گیری همکاری بین‌المللی در مواجهه با تروریسم؛ فرصت‌ها، چالش‌ها، راهکارها»، پژوهش سیاست نظری، ش ۲، صص ۱۴۱-۱۷۱.

۹. شفیعی، نوذر و زهرا دولت‌خواه (۱۳۹۲). «تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات»، راهبرد، ش ۶۹، صص ۱۴۱-۱۷۳.
۱۰. فتحی، محمدجواد (۱۳۷۹). «بررسی انتقادی کیفیات مشدده در قانون مجازات اسلامی»، مجله مجتمع آموزش عالی، ش ۷ و ۸، صص ۷۷-۱۱۰.
۱۱. قربان‌نیا، ناصر و سید محمدهادی قادری (۱۳۹۲). «دکترین مسئولیت حمایت و تلاش برای مقابله با فجایع انسانی»، مجله روابط خارجی، ش ۱۷، صص ۱۹۹-۲۳۴.
۱۲. مصفا، نسرین و ندا شاه‌نوری (۱۳۸۹). «بررسی تأثیرات زیانبار تولید، تجارت، و استفاده غیر قانونی سلاح‌های کوچک، اسلحه‌های سبک»، سیاست، دوره ۴۰، ش ۲، صص ۲۶۷-۲۸۶.

پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها

۱۳. دلخوش علی (۱۳۸۹). تعهد دولت‌ها به همکاری در مقابله با جرایم بین‌المللی در حقوق بین‌الملل، رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۱ تا ۷.

ب) انگلیسی

کتاب

14. Arrigo, Bruce and Heather Bersot (2013). The Routledge Handbook of International Crime and Justice Studies, Routledge.
15. B. Jørgensen, Nina H (2003). The Responsibility of States for International Crimes, Oxford University Press.
16. Bellal, Annyssa. Weapons under International Human Rights Law, Cambridge University Press.
17. De Hoogh, André (1996). Obligations Erga Omnes and International Crimes: A Theoretical Inquiry into the Implementation and Enforcement of the International Responsibility of States, Martinus Nijhoff Publishers.
18. Erickson, Jennifer. Dangerous Trade: Arms Exports, Human Rights, and International Reputation, Columbia University Press.
19. James Crawford, Alain Pellet, Simon Olleson, and Dr Kate Parlett (2010). The Law of International Responsibility, Oxford.
20. Rogers, Damien (2013). Post internationalism and Small Arms Control: Theory, Politics, Security, Ashgate Publishing, Ltd.
21. N. Trapp, Kimberley (2011). State Responsibility for International Terrorism, Oxford.
22. Maslen, Stuart et al. (2013). The Arms Trade Treaty, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights.
23. Yihdego, Zeray (2007). The Arms Trade and International Law, Hart Publishing.

Articles

24. Soleimani, Hassan, Arms Trade Treaty (ATT) and the Concerns of AALCO Member States: An Overview, AALCO Journal of International Law / Vol. 2, Issue 1.
25. Brehm, Maya, the Arms Trade and States' Duty to Ensure Respect for Humanitarian and Human Rights Law, Journal of Conflict & Security Law, 2008.
26. Gustavo Mauricio Bastien Olvera Non-states Actors and Human Rights: The Case of Arms Manufactures, Amsterdam Law forum, VOL 3:3, 2009.
27. A. Sears, Nathan, Controlling Small Arms and Light Weapons Proliferation: The Potential of the Arms Trade Treaty, Paterson Review of International Affairs, 2012.
28. Bhala, Raj, National Security and International Trade Law: What the GATT Says and What the United State Does? University of Pennsylvania journal of international economic law, 1998, Vol. 19, p. 268.

Papers

29. Worster, William Thomas (2014). The Arms Trade Treaty Regime In International Institutional Law, The Hague University of Applied Sciences - International Law.
30. Fiott, Daniel & Prizeman, Katherine, The Arms Trade Treaty and the Control of Dual-Use of Goods and Technologies: What Can the European Union's Export Control Regime Offer? Institute for European Studies.
31. Bellal, Annyssa (2014). Implications of International Law for a Future Arms Trade Treaty, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights.
32. Clare da Silva (2009). Creating a human rights standard for the Arms Trade Treaty.